نگاه

وزیر راه و شهرسازی:

قطعه سوم آزادراه حرم تا حرم ۴ سال دیگر به بهره‌برداری می‌رسد

● **ایسنا:** وزیر راه و شهرسازی گفت: در حال حاضر دو هزار کیلومتر آزادراه در کشور وجود دارد که طبق برنامه‌ریزی تا پایان دولت یازدهم این تعداد باید به پنج‌هزار کیلومتر برسد.عباس آخوندی پیش از ظهر دیروز در آغاز عملیات اجرائی آزادراه حرم تا حرم در محور سبزوار- نیشابور- مشهد بیان کرد: درحال‌حاضر ساخت هزارو۷۰۰ کیلومتر آزادراه در دست مطالعه بوده و هزارو۳۰۰ کیلومتر دیگر نیز فعال است.وی با بیان اینکه درخصوص شبکه راه‌ها و حمل‌ونقل با وجود حجم راه‌ها و آزادراه‌های موجود در شرایطی هستیم که نمی‌توانیم تأمین مالی کنیم، گفت: درحال‌حاضر در تنگنای شدید مالی قرار داریم و چنانچه در این تنگنا نبودیم نیز امکان تأمین مالی حجم زیاد راه‌ها و آزادراه‌های کشور توسط دولت به تنهایی ممکن نبود.آخوندی با بیان اینکه بیش از ۲۰۰ هزار کیلومتر راه‌های مختلف از جمله راه روستایی در کشور وجود دارد،گفت: برای نگهداری معمولی این راه‌ها، سالانه هشت‌هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز داریم. وزیر راه و شهرسازی گفت: قطعه سبزوار- نیشابور- مشهد آزادراه حرم تا حرم چهار سال دیگر به اتمام می‌رسد، برآورد مالی این قطعه دو هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است.وی با بیان اینکه برای احداث سه هزار کیلومتر آزادراه به ۳۰هزارمیلیاردتومان نیاز داریم، گفت: تأمین منابع این حجم عظیم از طریق بودجه دولتی ممکن نیست و چنانچه بخواهیم فقط از طریق منابع دولتی به ساخت آزادراه‌ها بپردازیم سرعت توسعه بسیار کند خواهد شد.آخوندی با بیان اینکه هیچ‌کس با توسعه کند راه‌ها موافق نیست، گفت: درحال‌حاضر با توجه به اینکه امکان تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بخش ساخت آزادراه‌ها با مشارکت بخش خصوصی فراهم است تمرکز ما نیز به این سمت معطوف شده، به طوری که درحال‌حاضر ساخت آزادراه مراغه- تبریز و مراغه -هشت‌رود و حرم تا حرم با مشارکت ۷۰ درصدی بخش خصوصی انجام می‌شود. وی با بیان اینکه باید امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را افزایش داد، گفت: در گذشته مشارکت بخش خصوصی در ساخت آزادراه ۶۰ درصد بود که اکنون این میزان به ۷۰ درصد رسیده و در آینده این سهم افزایش پیدا خواهد کرد.

ماجرای قطع سوآپ از زبان مسئولان وقت در دولت قبل

آمریکایی‌ها در حال برنامه‌ریزی برای سوآپ گاز

شانا: حکایت غریب سواپ و ماجرایی که بر سر آن آمد، موضوع میزگرد شانا با کارشناسان نفتی است. بدیهی است که هر طرح اجرائی در بطن خود موافقان و مخالفانی دارد، اما مهم این است که در رد یا قبول طرح‌ها و امور اجرائی برایند نظریات کارشناسی لحاظ شود و تصمیمات حتی‌المقدور برمبنای نظریات کارشناسان گرفته شود، نه دیدگاه‌های فردی. خلاصه‌ای از این نشست را بخوانید:

◣ آقای آستانه شما از مدیرانی بودید که از زمان شروع تا قطع عملیات سوآپ در شرکت نیکو فعال بودید، با اینکه بارها و بارها درباره سوآپ صحبت کردید، لطفا از آن زمان و تصمیمی که گرفته شد برایمان بگویید؟

آن زمان که ما در شرکت نیکو بودیم و این تصمیم گرفته شد، خدمت وزیر وقت رسیدیم و گفتیم اصلا سود ۱۰ دلار برای هر بشکه سوآپ امکان‌پذیر نیست، شاید چنین سودی برای ۱۰ تن امکان‌پذیر باشد، اما در بشکه خیر. با این حال وزیر وقت همچنان روی حرفشان پافشاری می‌کردند و می‌گفتند خیر امکان ندارد، همان ۱۰ دلار در هر بشکه. این بحث‌ها در حالی بود که ما در بهترین شرایط، چیزی حدود دو تا سه دلار سود کسب کردیم، اما ایشان گفتند خب سودی بین پنج تا شش دلار بگیرید، بازهم گفتیم این هم امکان‌پذیر نیست، اما ایشان دستور دادند و ما باید عمل می‌کردیم؛ بنابراین، از طرف شرکت نیکو با شرکت‌هایی که قرارداد داشتیم مثل کاسپین اویل، ویتول یا دراگون مذاکره کردیم و گفتیم سود پنج تا شش دلاری پرداخت کنید، آنها گفتند برای ما امکان‌پذیر نیست، چون سودی در این قضیه نداریم. به وزیر وقت توصیه کردیم به نحو دیگری مدت قرارداد را به پایان برسانیم (اکسپایر کنیم) و به طرف لغو قرارداد نرویم. من دست‌نوشته از وزیر وقت دارم که دستور لغو صریح و مؤکد داده‌اند و گفته‌اند هرکسی عملیات سوآپ را ادامه دهد، متخلف بوده و برابر با قانون با او برخورد می‌شود. با این حال یک تیم کارشناسی خبره مرکب از دکتر زین‌الدین، رئیس امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، آقای سروشی، مسئول نظارت بر صادرات نفت، بنده از شرکت نیکو، یکی از کارشناسان قدیمی امور بین‌الملل شرکت ملی نفت و متخصصان امور پالایش و پخش، در دو روز با سرپرستی آقای زین‌الدین گزارشی درباره عملیات سوآپ تهیه کردیم و به تمام مواردی که گفتم در این گزارش کارشناسی اشاره کرده و با پیشنهادهای مشخص از سوی آقای زین‌الدین در اختیار آقای قلعه‌بانی (مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران) گذاشتیم و از سوی آقای قلعه‌بانی همان گزارش در اختیار وزیر قرار گرفت. فکر می‌کنید نتیجه چه شد؟ وقتی آقای وزیر گزارش را ملاحظه کردند بدترین عباراتی که در شأن یک مقام مسئول نیست، به کار برده و با خط خودشان روی نامه عملیات سوآپ را عملیات کثیف، سوآپ را شوآپ و افراد را با عبارات ناجور خطاب کردند. در ذیل آن هم نوشتند گویا این گزارش را آقای زین‌الدین، رئیس امور حقوقی نفت تهیه کرده‌اند، به این وسیله ایشان عزل و آقای دکتر بطحایی به جای ایشان منصوب می‌شوند! در واقع آقای دکتر زین‌الدین به دلیل تهیه این گزارش از کار عزل و به کارگزینی معرفی شدند. اما خب اسنادی که امروز وجود دارد، همگی حاکی از این است که همه ما به آقای وزیر هشدار دادیم که این کار را انجام ندهند. حتی آقای زین‌الدین در گزارش خود پیشنهاد کرده بودند، حال که شما اصرار دارید این عملیات قطع شود، نباید به صورت یک‌طرفه آن را لغو کنید؛ بازهم برای این کار راه وجود دارد و توضیحات حقوقی هم در این باره داده بودند، اما آقای میرکاظمی نه‌تنها به سخنان ایشان گوش نکردند، بلکه تصمیم یک‌جانبه ایشان سبب شد ۹۷ میلیون دلار کلیم علیه ما صورت گیرد.با اینکه با عدد و رقم ثابت می‌کنیم دوستانی که این تصمیم را گرفتند اشتباه کردند اما می‌خواهم بگویم نباید صرفا نگاه اقتصادی به سوآپ داشته باشیم؛ نگاه ما استراتژیک بود. می‌خواستیم کشورهای حوزه دریای خزر را از مسیر ایران به آب‌های آزاد برسانیم. متأسفانه این تصمیم به دلیل اطلاعات غلطی که در اختیار وزیر وقت نفت گذاشته بودند، گرفته شد. رقبای ما هم بیکار ننشستند و در منطقه شرق دریای خزر، مسیر محور قزاقستان به چین را فعال کردند، آمریکایی‌ها هم در فعال‌کردن این خط نقش پررنگی داشتند. روس‌ها مسیر دیگری را در شمال خزر ایجاد کردند، به این ترتیب ملاحظه می‌کنید که آهسته آهسته مسیرهای دیگر در خلال تعطیلی خط ایران شروع به کار کردند و برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت ما در خزر با ناکامی‌هایی مواجه شد.

◣ آن زمان با چند شرکت خارجی قرارداد سوآپ داشتیم؟

در ۱۰، ۱۲ سال اخیر با ۱۶ شرکت خارجی قرارداد سوآپ داشتیم.

حسینی: از دید من، سوآپ یعنی استفاده از ظرفیت تجاری یک کشور. ما خیلی به این مسئله توجه نکرده‌ایم. اگر این کار را انجام می‌دادیم، دست‌کم می‌توانستیم از این ظرفیت نهایت استفاده را ببریم.

نگران بودیم این تصمیم ادامه یابد و فرصتی که در خزر به دست آورده بودیم، از بین برود. بنابراین ناامید نشدیم و نزد آقای قلعه‌بانی (مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران) رفتیم. دوباره همان حرف‌ها را تکرار کردیم؛ اما ایشان هیچ واکنشی به این گزارش نشان ندادند و پاسخشان، سکوت بود. حتی وقتی که کسی دیگر وزیر نفت شد، نزد ایشان هم رفتیم و دوباره همان حرف‌ها را گفتیم. ایشان در نهایت گفتند «آقا ما نمی‌توانیم پنج دلار برای هر بشکه کم کنیم، حالا ببینید می‌توانید ۳،۵ دلار برای هر بشکه سود بگیرید تا این کار انجام شود». گفتیم، آقای مهندس آخر این چه حرفی است که می‌گویید. این سخنان باید مبنای کارشناسی و اصولی داشته باشد، براساس چه مبنایی این حرف را می‌زنید؟ نرخ‌های خط بی‌تی‌سی را که از سه کشور عبور می‌کرد، آوردیم و نشان دادیم که سود، برای هر بشکه ۱.۵ دلار یا در نهایت یک دلار بود. اصلا در نفت از این خبرها نیست که برای هر بشکه سوآپ ۱۰ دلار سود بگیریم. در همه معامله‌ها سودی که در هر بشکه به دست می‌آید، نهایت ۲۰ تا ۳۰ سنت است. حالا اگر بخواهند خیلی سود کنند، بشکه‌ای ۳۵ سنت می‌شود. آن وقت شما براساس چه مبنایی این حرف‌ها را می‌زنید. وقتی شما از مزیت‌های نسبی‌تان استفاده نمی‌کنید، معلوم است دیگران می‌آیند و از خلأ شما بهره می‌برند. از آن طرف آمریکایی‌ها به‌شدت در حال برنامه‌ریزی هستند تا سوآپ گاز را از مسیر ترکمنستان و قزاقستان انجام دهند. با این اوصاف اگر همین‌طور بلاتکلیف بمانیم و به دنبال سود بالا باشیم، گاز هم ما را دور می‌زند. همین الان ما می‌توانیم از مزیت گازمان بهره ببریم و به سوآپ بپردازیم؛ چون ممکن است خط لوله تاپی که به چین می‌رود فعال شود و بازهم نرخ‌هایی که ما می‌گوییم به کار نیاید. البته دولت یازدهم نشان داده است که عزم دارد تا سوآپ را فعال کند. فقط امیدوارم به‌موقع درباره سوآپ گاز تصمیم‌گیری شود تا دوباره چهار یا پنج سال بعد افسوس بازاری را که ازدست داده‌ایم، نخوریم.

آستانه: نکته‌ای که من در تکمیل صحبت‌های آقای حسینی باید بگویم این است که اختلاف قیمت بین نفت دریای خزر و خلیج‌فارس چیزی حدود هشت تا ۱۰ دلار است. چون خزر دریای بسته‌ای است و به آب‌های آزاد راه ندارد، بنابراین، هزینه حمل‌ونقل آن برای خریدار گران‌تر تمام می‌شود؛ به‌عنوان‌مثال اگر قیمت نفت در حوزه دریای شمال یا خلیج فارس مثلا ۵۵ دلار یا ۶۰ دلار باشد، همین نفت در حوزه خزر حدود هشت تا ۱۰ دلار ارزان‌تر است. سود شرکتی که سوآپ می‌کند، در همین حد هشت تا ۱۰ دلار است. اشتباه نکنید وقتی می‌گویم سود آنها بین هشت تا ۱۰ دلار است، به این معناست که سوآپ‌کننده باید برود نفت را از میان خریداران مختلف جمع‌آوری کند. در کشورهای دیگر، بخش خصوصی بخشی از فروش نفت را برعهده دارد؛ خب اینجا دلال‌ها نفت را جمع‌آوری می‌کنند بعد با سوآپ قراردادی می‌بندند. سوآپ باید پولی به دلال بدهد تا نفت را جمع کند. بعد باید نفت را در مخازنی در سواحل دریا انبار کند. اینجا هم باید پول انبارداری بدهند، باید بروند کشتی بخرند یا اجاره کنند تا این نفت انبارشده را از کشتی تا نکا حمل کنند، اینجا هزینه حمل و افت کالا هم هست. اینجا سوآپ به‌دنبال سود است. می‌بینید که همان هزینه هشت تا ۱۰ دلار هم باید در بخش‌های مختلفی که این عملیات انجام می‌شود، تقسیم شود. اینجا چقدر برای سوآپ باقی می‌ماند، خواب پولش را هم باید در نظر بگیرید.

◣ البته آقای آستانه، دلایل دیگری هم از سوی وزیر وقت برای قطع عملیات سوآپ اعلام شد؛ مثلا اینکه ایشان ادعا کرده بودند شواهد و مدارک موجود مؤید آن است که افراد ذی‌نفع در عمیات شبه‌سوآپ دارای ارتباط و اشتراک با افرادی هستند که در تبانی با بابک زنجانی خسارات غیرقابل‌جبرانی را به کشور و ملت ایران وارد کرده‌اند و با قطع عملیات سوآپ، دست بابک زنجانی را از کشور قطع کرده‌اند؛ضمن اینکه در جای دیگری هم گفته‌اند در عملیات سوآپ، رانتی وجود داشته و حتی انجام این عملیات و تخطی‌ای که در فروش نفت صورت گرفته، سبب شده تا فروش نفت از این طریق جزء سهمیه ایران در اوپک قلمداد شده و ایران به‌عنوان کشوری که از سهمیه تعیین‌شده خود تخطی کرده، معرفی شود.

ادامه در صفحه ۷

نکته

آستانه : به من گفتند چرا مخالف نظر وزیر نفت حرف می‌زنید. فردای آن روز آقای میرکاظمی به آقای جشن‌ساز (مدیر وقت شرکت نیکو) زنگ زدند و گفتند آستانه چه کسی است و همین امروز او را برکنار کنید

گذر

توسعه اجرای سیاست‌های تنظیم بازار روغن با همکاری دولت

● **باشگاه خبرنگاران:** درحال‌حاضر صنایع روغن نباتی با مشکلات متعددی مواجه هستند، اما بااین‌حال، همواره تلاش کرده‌اند تا همسو با دولت در راستای اجرای سیاست تثبیت قیمت‌ها و تنظیم بازار همکاری کنند. قبله با بیان اینکه تحقق سیاست‌های تنظیم بازار نیازمند تعامل نزدیک و سازنده با دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط است، اظهار کرد: یکی از اصول اولیه تنظیم بازار شناخت متغیرها و بررسی اثرات آن در بازار است و در ادامه ارائه مخاطرات احتمالی بر سر راه تحقق اهداف عالیه تنظیم بازار به مسئولان مرتبط، در قالب هشدارهای نظارتی است تا بتوان قبل از ورود به شرایط پیش‌بینی‌شده، اقدام به انجام فعالیت‌های پیشگیرانه کرد. وی در رابطه با کاهش قیمت روغن به دلیل کاهش قیمت جهانی تأکید کرد: این یک موضوع کارشناسی است و نباید به دلیل بی‌اطلاعی، افکارعمومی را تحت‌تاثیر قرار داد، برای مثال از آخرین قیمت‌گیری صنعت که نرخ ارز واردات روغن خام با نرخ ترکیبی ۷۰ درصد نرخ مرجع و ۳۰ درصد نرخ مبادلاتی تعیین شد، ۲۴ ماه می‌گذرد. در این مدت کاهش نرخ جهانی حداکثر ۲۵ درصد بوده، درحالی‌که نرخ پایه ارز تا ۸۰ درصد رشد داشته است و صرف‌نظر از رشد سایر هزینه‌ها، همین کاهش ریال در برابر دلار که همه‌ساله طبق قانون صورت می‌گیرد، تا حدود بسیار زیادی در قیمت تمام‌شده کالای وارداتی مؤثر است. به گفته قبله، زمانی می‌توان انتظار داشت که با کاهش قیمت جهانی، قیمت‌های داخل هم کاهش یابد که حداقل نرخ ارز در دو زمان مقایسه شده ثابت باشد. بنابراین این استدلال کاملا غیرکارشناسی است و برای اثبات این ادعا همین نکته کافی است که شرکت بازرگانی دولتی ایران در اردیبهشت سال ۹۲ روغن خام را به نرخ هر کیلوگرم ۲۰ هزار ریال می‌فروخت و امروز نرخ فروش خود را به رقم ۲۹هزارو ۹۳۰ ریال افزایش داده است. وی اذعان کرد: در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که اگر قیمت جهانی کاهش یافته است و باید بر بهای تمام‌شده روغن تأثیر بگذارد، چرا بر نرخ فروش روغن توسط دولت اثر معکوس داشته است و هیچ نهادی رسیدگی به این موضوع را در دستور کار خود قرار نمی‌دهد!؟